

اولین همایش ملی مسائل اجتماعی شهر مشهد

احساس امنیت زنان (مورد مطالعه منطقه ۷ مشهد)

حسین میرزائی

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

hmirzaei@um.ac.ir

لاله فتحی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی - دبیر آموزش و پرورش منطقه ۷ مشهد

چکیده

شهر و کلان‌شهرها به عنوان بزرگترین سکونتگاه‌های بشری در مفهوم امروزی خود پدیده‌ای جدید و دارای ویژگی‌ها و صفات منحصر به فردی هستند. در ایران نیز شهرنشینی در چهار دهه گذشته رشد سریعی داشته، که این امر خود موجب پیچیدگی‌های خاص، افزایش نیازها و مطالبات شهروندان گردیده است. از جمله آن نیازها می‌توان به موضوع «امنیت» اشاره نمود. نیاز به امنیت و مقوله احساس امنیت برای همه اقشار و گروه‌ها از اساسی‌ترین نیازهاست که در این میان برای زنان جامعه از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

موضوع احساس امنیت پدیده‌ای چند بعدی است و عوامل مختلفی با آن در ارتباط اند. پرداختن به موضوع احساس امنیت در بین زنان در شهر مشهد بدلیل شرایط ویژه و خاص این کلان‌شهر از اهمیتی بالا برخوردار است در همین راستا تحقیق حاضر با روش پیمایشی و با بررسی میزان احساس امنیت زنان شهر مشهد و شناخت برخی عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. نمونه پژوهش ۳۱۵ نفر می‌باشد که بصورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات بدست آمده از طریق نرم افزار Spss نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج کلی تحقیق نشان داد که میزان احساس امنیت زنان مورد مطالعه در حد متوسط است و به ترتیب متغیرهای نظارت اجتماعی (۰/۳۸)، میزان دینداری (۰/۳۰۱)، حمایت خانواده (۰/۲۶۴)، رسانه‌های جمعی (۰/۲۱)، سن (۰/۱۸) و تحصیلات (۰/۱۴) رابطه مثبت و هم‌افزایی با احساس امنیت زنان مورد مطالعه داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، زن، نظارت اجتماعی، دینداری، حمایت خانواده.

بیان مساله :

انقلاب صنعتی در تاریخ بشر نقطه شروع تحولاتی است که دامنه آن هر روز گسترده‌تر و پیامدهای آن بیش از پیش فراگیرتر می‌گردد. شهرنشینی و رشد آن نیز از جمله وقایعی است که با بروز انقلاب صنعتی تغییراتی عمده نموده و شهرنشینی به معنای واقعی کلمه را می‌توان مختص این دوران دانست. انفجار شهری به موازات انقلاب صنعتی بروز کرده و شهرها با نرخ بی‌سابقه‌ای رشد نمودند و سبک زندگی شهری به طور فزاینده‌ای جایگزین سبک زندگی روستایی شد. این روند ابتدا در کشورهای غربی رخ داد و سپس دیگر کشورهای غیرغربی این روند را تجربه کردند. اما نکته جالب توجه و مورد بحث این است که اگر چه این کشورها دیرتر این روند را شروع نمودند اما در این خصوص از کشورهای غربی پیشی گرفتند به نحوی که در سال ۱۹۵۰ فقط ۴ شهر از ۱۵ شهر بزرگ دنیا در کشورهای غیرغربی بودند اما این رقم در سال ۱۹۷۵ به ۱۲ شهر رسید (جردن، ۱۳۸۰: ۴۱۴) و پیش بینی‌ها نشان می‌دهد این روند باز هم در کشورهای در حال توسعه با شدت ادامه دارد. در واقع این موضوع شکل دیگری به خود گرفت و اگر کشورهای پیشرفته پدیده «شهرنشینی» را شاهد بودند کشورهای در حال توسعه با پدیده‌ای جدید تحت عنوان «شهرگرایی» مواجه شدند که خود پیامدهای منحصر به فرد و پیچیده‌ای دارد.

کشور ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با چنین رشد سریع شهرنشینی روبرو بوده است. «تحولاتی که از دهه ۱۳۰۰ هـ.ش آغاز شد باعث شروع و سپس توسعه روند شهرنشینی در ایران گردید. (حسامیان، ۱۳۶۳: ۹). اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ هـ.ش نقطه عطفی در رشد شهرنشینی ایران محسوب می‌شود (حسامیان، ۱۳۶۳: ۱۸). این امر باعث رشد بی‌وقفه شهرنشینی شد به گونه‌ای که درصد جمعیت شهرنشینی در سال ۱۳۳۵ از ۳۱/۴ درصد به ۵۴/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ رسید و این میزان در سال ۱۳۷۵ به ۶۱ درصد رسیده است (سازمان ملی جوانان ۱۳۸۰: ۳۴). آمارهای جدید نیز نشان می‌دهد که جمعیت شهرنشین ایران حدود ۷۰ درصد است.

جمعیت شهری ایران به ویژه در کلان‌شهرها آمیخته‌ای از گروه‌ها، اقوام و طبقات اجتماعی گوناگون مهاجری است که به طور طبیعی چندان هماهنگی و همخوانی با هم ندارند. این ناهمگونی‌ها موجب تحرک، بی‌ثباتی، ناامنی و بروز انواع آسیب‌ها و کجروی‌های اجتماعی نظیر قانون‌شکنی، بزهکاری و انواع رفتارهای اجتماعی جمعیتی، آلودگی، ترافیک و سایر مسایل دیگر می‌گردد.

شهر مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران و پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷ وضعیت خاص و منحصر به فردی دارد. رشد سرسام آور جمعیت شهری، آنرا به دومین کلان شهر ایران تبدیل کرده است و حدود یک و نیم میلیون حاشیه نشین با تفاوت های فرهنگی، قومی، دینی و زبانی و با وضعیت اقتصادی و مالی متفاوت را در خود جای داده است.

بی تردید بدلیل ماهیت مذهبی این شهر، مهاجرپذیری، همجواری با همسایگان خاص و... علاوه بر مسایل عام که مبتلا به بسیاری از کلان شهرهاست، مسایل خاص خود را نیز دارد که ضروری است مورد توجه اندیشمندان، محققان و مدیران شهری قرار گیرد.

موضوع تامین امنیت کلیه اقشار جامعه از ضرورت های اساسی است. امروزه بدلیل حضور فعال تر زنان جامعه در اجتماع نسبت به گذشته توجه به تامین امنیت زنان و ارتقاء احساس امنیت آنان از ضرورت های اساسی است. بالا بردن امنیت اجتماعی زنان پیش زمینه اصلی در جهت موفقیت و حضور بیشتر آنان در عرصه های مختلف اجتماع است. براساس شواهد و یافته های تحقیقات مختلف احساس ناامنی زنان معمولا در کلان شهرها که حلقه تعاملات اجتماعی گسترده تر است نسبت به شهرهای کوچکتر که بافت سنتی تری دارند و هنجارهای اجتماعی محدودیت کافی برای مقابله با ناامنی را ایجاد می کند، محسوس تر است (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹).

براساس نتایج تحقیقات یکی از مسایل مرتبط با زنان در شهر مشهد موضوع احساس امنیت است براین اساس تحقیق حاضر تلاش می کند این مساله را به گونه ای علمی و به روش میدانی مورد مطالعه و برخی از عوامل مرتبط با آن مورد کنکاش قرار دهد. بر همین اساس سوالات اساسی تحقیق عبارتند از:

۱- میزان احساس امنیت زنان در شهر مشهد (منطقه ۷) در چه حدی است؟

۲- چه متغیرهای احساس امنیت نمونه تحقیق را تحت تاثیر قرار می دهد؟

ادبیات نظری و تجربی پژوهش:

امنیت و میزان احساس آن برای کلیه نظام های سیاسی و شهروندان، صرفنظر از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و نوع ایدئولوژی، مهمترین و با اولویت ترین مساله به شمار می آید. مقوله امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت یکی از حقوق اساسی و نیاز مردم مطرح شده و در نهایت برآیند مجموعه ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی است. بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهمتر از عنصر

امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. اصولاً انسان برای رسیدن به موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیکی به عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود. آنگونه که مزلو معتقد است آنگاه که نیازهای فیزیولوژیک انسان نسبتاً خوب ارضاء شوند مجموعه جدیدی از نیازها پدید می‌آیند که به طور کلی جزو نیازهای ایمنی طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از: امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، قانون، محدودیت و ... (مزلو، ۱۳۷۵). مفهوم «امنیت» از جمله مفاهیمی است که به دلیل ماهیت پارادوکسیکال آن ارایه تعریفی مانع و جامع از آن مشکل و باعث مجادلات گوناگونی شده و از نظرگاه‌های متفاوت معانی مختلف به خود گرفته و وجود دو چهره متفاوت عینی و ذهنی از آن سبب گشته تا ادبیات ناهمگونی حول این مفهوم شکل گیرد و تعاریف گسترده‌ای از آن صورت گیرد. ما از مجادلاتی که برسر این موضوع رخ داده صرف‌نظر کرده و با لحاظ کردن تعاریف مختلف از آن، امنیت را «احساس اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده» تعریف می‌کنیم.

بایستی در نظر داشت مهمتر از امنیت، موضوع «احساس امنیت» است. وجود احساس امنیت و امنیت روانی در یک جامعه به همان اندازه مهم است که امنیت در آن جامعه. حتی برخی احساس امنیت در یک جامعه را مهمتر از وجود امنیت در آن جامعه می‌دانند. چون ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد ولی فرد احساس امنیت نکند. به طور کلی می‌توان احساس امنیت را در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن تعریف کرد بدین معنا که هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین‌تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعت از عدم وجود امنیت در یک جامعه نیست بلکه ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد، لیکن شهروندان آن احساس امنیت نکنند و بالعکس (میرزایی، راسخی، ۱۳۹۱).

امنیت از واژه «امن» به معنای بی‌خوفی و در امان بودن، آرامش قلب داشتن، بی‌هراس شدن و راحت و آسوده و بی‌بیم گردانیدن است. برخی امنیت را به معنای توانایی در حفظ ارزش‌ها و ثروت‌ها در برابر تهدید می‌دانند (جاسمی، ۱۳۵۸).

در مجموع امنیت دارای دو معنا یکی ایجابی یعنی احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان و دیگری سلبی، یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۷۸).

دیدگاه‌های مختلفی در مورد مقوله امنیت وجود دارد: در دیدگاه مدرن هر نوع تأمین اجتماعی و هر نوع مصونیت انسان در برابر آسیب‌های اجتماعی و حتی آسیب‌های جسمی و بیماری‌ها، در زمره موضوع و امور امنیتی قرار می‌گیرد. در دیدگاه سنتی امنیت مقوله‌ای محدود، محدودش، طبقه‌ای، جسمی، ابزارمند و ناپایدار است. اما در دیدگاه نوین امنیت مقوله‌ای وسیع، معین، غیرانحصاری، عقلانی، هدفمند و پایدار است و هویت، احساسات و عواطف فردی و گروهی، عقاید، تمایلات و آرزوها، موقعیت‌های شغلی و اقتصادی، باورهای فرهنگی و ساختارهای رسمی و حتی وسایل نیل به رفاه و آسایش زندگی اجتماعی و... را در بر می‌گیرد (کاشانی، ۱۳۸۴).

دیدگاه نخبه‌گرایانه نیز در مورد امنیت وجود دارد که امنیت را متغیری می‌داند که در درجه اول از وجود دولت قوی و ساز و برگ نظامی نشات می‌گیرد. بیشتر متفکران رئالیست و نئورئالیست در چارچوب این اندیشه کار کرده‌اند. به طور کلی بر طبق این رویکرد "قدرت اجبار آمیز دولت که در نهاد های انتظامی و نظامی متبلور می‌شود، اهمیتی به مراتب بیش از اهمیت واقعی آن در حفظ نظم داخلی و صلح بین المللی یافته است" (کلمنتس، ۱۳۸۴).

اندیشمندانی چون باری بوزان و کنت والتز بر این نکته تأکید دارند که حتی الامکان دیدگاهی کل‌نگرانه نسبت به امنیت اتخاذ شود تا سه سطح نظام فردی، ملی و بین المللی حفظ شوند. بنابراین در سطح فردی باید بدانیم که چه چیزی بنیان طبیعی (فیزیکی) فرد را حفظ و تضمین میکند (غذا، بهداشت، انسجام روانی - اجتماعی و...)، افراد در چه نهاد هایی عمل میکنند و کدام مفروضات فکری یا فرهنگی، آنها را به تبادل میکشاند. در سطح ملی نیز، دانستن نکاتی در مورد اساس فیزیکی امنیت و چگونگی درک و مفهوم بندی آن توسط رهبران و شهروندان و اطلاع از کارکرد نهاد های کلیدی آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است. درک جهان به مثابه موجودیتی تقسیم ناپذیر در اکتساب امنیت مشترک بین المللی عنصری حیاتی به شمار می آید (کلمنتس، ۱۳۸۴).

آنتونی گیدنز در بحث خود از امنیت به رابطه آن با موضوع اعتماد اجتماعی توجه می‌کند و معتقد است که «امنیت وجودی به اطمینانی راجع است که بیشتر آدمها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. از نظر وی احساس اعتمادپذیری اشخاص و چیزها برای احساس امنیت وجودی، اهمیت بنیادی دارد. این امنیت نه یک پدیده ی شناختی بلکه پدیده ای عاطفی است که در ناخودآگاه ریشه دارد. در این تعریف بر دو بعد احساسی و

اجتماعی امنیت تاکید شده است. گیدنز در ادامه به مهم بودن احساس امنیت در جهان مدرن می پردازد و بیان می کند که این احساس ها بیشتر در نتیجه حساسیت شدید عاطفی پیدا می شوند تا عدم عقلانیت. بر اساس مدل تحلیلی گیدنز، اعتماد و اطمینان به دیگران در بستری از روابط اولین در گروه های نخستین پدید می آید. همچنین اعتماد و پایبندی به اصول اخلاقی و استفهام آن در شرایط گوناگون توسط ضمانت های متقن از سوی افراد فراهم می شود. گیدنز امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه (شانس زندگی) و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان (شیوه ی زندگی) می داند.

گیدنز در ادامه به نقش مذهب در احساس امنیت اشاره دارد چنانکه بیان می کند که باورداشت های مذهبی مهم ترین کارشان این است که معمولاً به انسان در مقابل تجربه رویدادها و موقعیت ها، احساس آرامش و امنیت تزریق می کنند. مناسک غالباً جنبه ای اجباری دارند ولی در ضمن عمیقاً آرامش بخش اند زیرا به یک رشته عملکردهای معین، کیفیت آیینی می بخشند. خلاصه آنکه مذهب و سنت به شیوه ای بنیادین در شکل دهی به امنیت وجودی موثرند و دخالت دارند (گیدنز، ۱۳۸۰).

در همین راستا فروید و ریزمن نیز به نقش مذهب در کنترل درونی و در نتیجه جلوگیری از انحراف و آنومی در جامعه و در نهایت امنیت جامعه اذعان دارند و معتقدند که عواملی هستند که انسانها را از کارهای نامشروع باز می دارند. یکی از مهم ترین این عوامل ، مذهب است. اگر پایبندی مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسانها خود را به طور درونی کنترل خواهند نمود که این قوی ترین و موثرترین نوع کنترل است در مقابل اگر نقش دین در جامعه و در میان مردم تضعیف گردد، امکان انحراف و آنومی به شدت افزایش می یابد (رفیع پور، ۱۳۷۸) و نتیجه آن کاهش احساس امنیت عمومی جامعه است.

دورکیم به نقش فرهنگ و دین به عنوان یکی از موثرترین عناصر در ایجاد و گسترش همبستگی، استحکام و نظم اجتماعی توجه دارد و این را مهم ترین نتیجه و کارکرد نظام اخلاقی ، نظام باورها ، ارزشها و باورهای مشترک جامعه می داند که در پرتوی آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم، ناهنجاری و خود کشی کاهش یابد و هرج و مرج رخت برمی بندد و به تبع آن امنیت و ثبات اجتماعی برقرار می گردد (صدیقی اورعی، ۱۳۷۶).

بدلیل اهمیت موضوع امنیت و احساس امنیت اجتماعی بویژه در سالهای اخیر در ایران تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که مختصراً به چند مورد از آنها که در روند انجام این تحقیق مورد توجه بوده اند، اشاره می شود.

احمدی و اسماعیلی در سال ۱۳۸۷ احساس امنیت زنان مشهدی را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که میزان احساس امنیت زنان در حد متوسط است و بین طراحی شهری، میزان استفاده از رسانه های جمعی، تصور فرد از خود و نگرش به حجاب و میزان احساس امنیت زنان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹).

زنجان زاده در تحقیقی در سال ۱۳۸۰ به مطالعه احساس امنیت زنان مشهدی ۱۵ سال به بالا پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان اقتدار زن در خانه، مرتبه شغلی فرد، و زنانی که رفت و آمد بیشتری دارند نسبت به دیگر زنان احساس امنیت بیشتری می کنند اما سطح تحصیلات با احساس امنیت رابطه معناداری نداشته است (زنجان زاده، ۱۳۸۰).

تازیکی در تحقیقی به میزان احساس امنیت زنان بجنوردی در پارک های شهر می پردازد. براساس نتایج این تحقیق خصوصیات محیطی، اعتماد اجتماعی، تجارب قبلی، آگاهی های اجتماعی، محل سکونت، احساس کنترل، نظم اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری با احساس امنیت آنان داشته است (تازیکی، ۱۳۹۳).

تحقیقی دیگر با عنوان "امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران" توسط باقر ساروخانی و منیژه نوید نیا در سال ۱۳۸۵ انجام شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات موثر و معنی داری دارد. همچنین سطح برخورداری خانواده از امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت اخلاقی به نوبه خود تاثیر زیادی بر امنیت اجتماعی دارد (ساروخانی و نوید نیا، ۱۳۸۵).

تحقیقی تحت عنوان "بررسی میزان احساس امنیت شهروندان تبریزی" توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان در شهر تبریز در سال ۱۳۸۰ به اجرا درآمده است. این تحقیق که به روش پیمایشی و در بین ۴۰۰ نفر از شهروندان تبریزی به انجام رسیده است، نشان داد که شهروندان به طور کلی احساس امنیت پایینی دارند در این میان زنان نسبت به مردان، مجردین نسبت متاهلین احساس ناامنی بیشتری می کنند (میرزایی، ۱۳۸۰).

افشار به موضوع "امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران" می پردازد که در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه تهران به انجام رسیده است. یافته های این تحقیق بیانگر این امر است که امنیت اجتماعی مناطق و شغل های مختلف تفاوت معنی داری با یکدیگر دارند. نتیجه ای که به طور کلی می توان از این تحقیق گرفت این است که امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران از حد متوسط کمتر است و عواملی

نظیر حمایت اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و میزان درآمد خانواده تاثیر معنی داری بر میزان امنیت اجتماعی دارد (افشار، ۱۳۸۵).

تحقیقات السون (۲۰۰۰) نشان داد که احساس ناامنی در زنان، افراد مسن و فقیر بیش از مردان و افراد جوان و با درآمد بالاست. نتایج تحقیق گرابسکی در استرالیا نشان داد که افراد با درآمد و تحصیلات بالاتر احساس امنیت بیشتری می کنند و ۶۲ درصد از زنان ۵۵ ساله و بالاتر در شهرهای بزرگ احساس ناامنی می کنند (تازیکی، ۱۳۹۳). براساس مبانی نظری و تجربی تحقیق فرضیه های زیر استخراج و مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- بین میزان دینداری و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان حمایت خانواده و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نگرش به رسانه های جمعی و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- با افزایش سن احساس امنیت زنان افزایش می یابد.
- ۶- زنان با پایگاه اجتماعی و اقتصادی مختلف از احساس امنیت متفاوتی برخوردارند.
- ۷- زنان شاغل و غیر شاغل از احساس امنیت متفاوتی برخوردارند.
- ۸- میزان احساس امنیت زنان متأهل و مجرد متفاوت است.
- ۹- بین میزان تحصیلات و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین میزان درآمد و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.

روش شناسی:

این تحقیق به صورت پیمایشی (Survey) در منطقه ۷ شهر مشهد در سال ۱۳۹۳ در بین زنان بالای ۱۵ سال به انجام رسیده است. پژوهش از نوع کاربردی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این بررسی پرسشنامه محقق ساخته بوده است. حجم نمونه مورد بررسی این تحقیق ۳۱۵ نفر براساس فرمول کوکران برآورد گردید. شیوه نمونه گیری از نوع خوشه ای و نرم افزار مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات spss نسخه ۲۲ بوده است.

برای تحلیل داده ها روش های آماری توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. اعتبار ابزار اندازه گیری، از نوع صوری بوده است. جهت بررسی پایایی

گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب پایایی بدست آمده (جدول ۱) نشان از پایداری درونی نسبتاً مناسبی بین گویه‌ها دارد.

متغیر وابسته پژوهش «احساس امنیت اجتماعی». متغیرهای مستقل تحقیق «میزان دینداری و اعتماد اجتماعی، شخصی، نهادی، حمایت خانواده، رسانه‌های جمعی، نظارت اجتماعی» و متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات، سن، درآمد، پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌باشند.

جدول (۱): ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق

ردیف	عنوان متغیر	نوع متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	احساس امنیت	وابسته	۱۲	۰/۸۴
۲	دینداری	مستقل	۵	۰/۷۳
۳	اعتماد اجتماعی	مستقل	۶	۰/۷۶
۴	حمایت خانواده	مستقل	۵	۰/۷۶
۵	نگرش به رسانه‌های جمعی	مستقل	۵	۰/۷۹
۶	نظارت اجتماعی	مستقل	۵	۰/۷۱

نتایج:

نتایج توصیفی:

براساس نتایج بدست آمده میانگین سنی پاسخگویان ۳۲/۴ سال بوده و کم سن‌ترین نمونه دارای ۱۶ سال و مسن‌ترین نمونه ۶۰ سال داشته است. اکثریت پاسخگویان متأهل (۶۲ درصد) و ۳۸ درصد مجرد بوده‌اند. ۶۱/۷ درصد نمونه غیر شاغل و ۳۸/۳ درصد شاغل هستند. از لحاظ تحصیلات اکثریت نمونه دارای تحصیلات دیپلم بوده‌اند و اکثریت پاسخگویان (۶۱/۵ درصد) خود را جزء طبقه متوسط جامعه ارزیابی نموده‌اند.

نتایج استنباطی:

- ۱- بین میزان دینداری و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان حمایت خانواده و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نگرش به رسانه‌های جمعی و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

- ۵- با افزایش سن احساس امنیت زنان افزایش می‌یابد.
- ۶- بین میزان تحصیلات و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان درآمد و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.
- جهت آزمون فرضیه‌های اول تا هفتم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول (۲): آزمون ضریب همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق

احساس امنیت			متغیر مستقل
تعداد مشاهدات	معنی داری	ضریب همبستگی	
۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۳۰۱	دینداری
۳۱۵	۰/۰۵۱۸	-۰/۰۷	اعتماد اجتماعی
۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	حمایت خانواده
۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱	نگرش به رسانه‌های جمعی
۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۳۲	نظارت اجتماعی
۳۱۵	۰/۰۳	۰/۱۸	سن
۳۱۵	۰/۰۵۳۱	۰/۰۱۷	تحصیلات
۳۱۵	۰/۰۲۷۴	-۰/۰۳	درآمد

بر اساس نتایج جدول (۲) مشخص گردید که بین متغیرهای دینداری، اعتماد اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌های جمعی، نظارت اجتماعی و سن با متغیر احساس امنیت رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. اما رابطه متغیرهای اعتماد اجتماعی، تحصیلات و درآمد با متغیر احساس امنیت معنادار نشده است.

۸- میزان احساس امنیت زنان شاغل و غیر شاغل متفاوت است.

جدول (۳) آزمون تفاوت میانگین‌ها (T-TEST) در رابطه با متغیر احساس امنیت و وضعیت اشتغال

سطح معناداری (Sig)	ارزش T	میانگین	متغیر زمینه‌ای		متغیر وابسته
			شاغل	غیر شاغل	
۰/۶۶۱	۳/۱۹	۲۲	شاغل	۲۲/۵	احساس امنیت
		۲۲/۵	غیر شاغل	۲۲/۵	

نتایج آزمون t-test نشان داد که زنان شاغل و غیر شاغل این تحقیق از لحاظ میزان احساس امنیت با هم متفاوت نیستند و به عبارتی وضعیت اشتغال شان اثری بر میزان احساس امنیت آنان نداشته است.

۹- میزان احساس امنیت زنان متأهل و مجرد متفاوت است.

جدول (۴) آزمون تفاوت میانگین‌ها (T-TEST) در رابطه با متغیر احساس امنیت و وضعیت تاهل

متغیر وابسته	متغیر زمینه ای	میانگین	ارزش T	سطح معناداری (Sig)
احساس امنیت	متاهل	۲۲/۶	۴/۱۳	۰/۶۳۷
	مجرد	۲۱/۹		

بر اساس نتایج آزمون t-test تفاوتی بین زنان متأهل و مجرد از نظر میزان احساس امنیت وجود ندارد و وضعیت تاهل اثر مثبت و یا منفی بر احساس امنیت نمونه تحقیق نداشته است.

۱۰- زنان طبقات مختلف از میزان احساس امنیت متفاوتی برخوردارند.

نتایج آزمون آنالیز واریانس تفاوتی را بین زنان طبقات مختلف اجتماعی از نظر میزان احساس امنیت نشان نداد و ما نیز جهت رعایت اختصار از آوردن جدول و آماره های مربوطه خودداری نمودیم. به عبارت روشن تر از لحاظ احساس امنیت اجتماعی طبقات مختلف اجتماعی مورد بررسی نمونه این تحقیق وضعیت مشابهی داشتند.

نتیجه گیری :

امروزه شاهدیم به تبع رشد جوامع انسانی و شهری در ابعاد مختلف، نیازها و مطالبات و مسایل اجتماعی انسانی شکل ویژه، بدیع تر و پیچیده تری به خود گرفته اند. بدین لحاظ سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای گوناگون با کارکردهای متنوع و متفاوت جهت برطرف کردن این نیازها به وجود آمده‌اند تا به نیازها پاسخ دهند. امنیت و احساس امنیت از آن جمله نیازهای انسانی است که قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد. در تاریخ جامعه‌ای را سراغ نداریم که فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی روزگار را سپری کرده باشد. اما امروزه با پیچیده‌تر شدن جوامع انسانی و ارتباطات بشری بحث امنیت و احساس امنیت اجتماعی نیز شکل ویژه و ابعاد گوناگونی به خود گرفته است این موضوع مهم و حیاتی بستگی به ساز و کار و عملکرد مناسب نهادها و سازمان‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، روانی، انتظامی و ... دارد.

با حضور فعال تر زنان ایرانی در عرضه اجتماع تامین امنیت و احساس امنیت آنان نسبت به گذشته ضروری تر و مورد توجه بیشتری است. بر همین اساس هدف در این تحقیق شناسایی میزان احساس امنیت زنان منطقه ۷ مشهد و برخی عوامل مرتبط با آن بود. نتایج نشان داد که میزان احساس

امنیت نمونه مورد مطالعه در حد متوسط است و مهمترین عواملی که بر میزان احساس امنیت آنان موثر بوده به ترتیب عبارتند از: نظارت اجتماعی، دینداری، حمایت خانواده، رسانه های جمعی و سن. به عبارت ساده تر می توان گفت به هر میزان که نمونه تحقیق معتقد بوده که نظارت اجتماعی در سطح جامعه در حد مطلوبی بوده احساس امنیت بیشتری نیز از خود نشان داده اند. همچنین کسانی که میزان دینداری بیشتری داشته اند احساس امنیت بیشتری نیز داشته اند.

کسانی که حمایت بیشتری از سوی خانواده خود دریافت می کنند احساس امنیت شان افزایش داشته و نمونه هر چقدر به نقش مثبت تر رسانه ها در انعکاس وضعیت امنیتی جامعه باور داشته احساس امنیت شان نیز بیشتر بوده است. همچنین مشخص گردید که با افزایش سن افراد احساس امنیت بیشتر شده است.

این یافته ها با نتایج تحقیقات قبلی و برخی از تحقیقات ذکر شده در این مقاله و دیدگاه بسیاری از اندیشمندان منطبق و هماهنگ است. چنانکه دورکیم، گیدنز، فروید و ریزمن نیز به تاثیر دین و ارزشها و اعتقادات اخلاقی در جلوگیری از انحراف، آنومی و در نهایت امنیت و احساس امنیت در جامعه تاکید دارند. واقعیت اینست که هر چقدر افراد جامعه احساس کنند کنترل های لازم از سوی دستگاه های متولی امنیت در سطح جامعه صورت می گیرد با احساس امنیت بیشتری در عرصه اجتماع حاضر می شوند. این متغیر در این تحقیق اثر نسبتا پررنگی نسبت به دیگر متغیرها داشته است.

موضوع دیگر نقش باورهای دینی در احساس امنیت نمونه تحقیق است. با توجه به نتایج حاصله باید گفت همانگونه که موضع احساس امنیت پدیده ای چند بعدی است نگاهی چند بعدی را نیز در سطح جامعه طلب می کند. ارتباط میزان دینداری افراد با احساس امنیت آنان لزوم توجه سازمانهای متولی آموزش دینی و نقش آنها در افزایش یا کاهش احساس امنیت جامعه را نشان می دهد از سوی این نقش آموزشی صرفا محدود به این نهادها نمی شود خانواده، مدرسه، دانشگاه و دیگر سازمانهای آموزشی بسیار حایز اهمیت و تاثیر گزار است.

نهاد خانواده شاید مهمترین مامن افراد است هر چقدر محیط خانواده محیط سالم تر، آرام تر و حامی اعضای خود باشد اعضای آن نه تنها در درون بلکه در بیرون از خانواده نیز احساس امنیت بیشتری می کنند. این نتیجه ضرورت آموزش های خانوادگی به اعضای خانواده ها و پر رنگ نمودن نقش این نهاد حساس را در سطح جامعه طلب می کند.

امروزه نقش اثرگذار رسانه‌ها که بسیار متنوع و فراگیر نیز شده‌اند بر تمامی بخش‌های زندگی افراد جامعه بر کسی پوشیده نیست. وجود رسانه‌های معتمد و مورد اطمینان در جامعه و نظارت علمی و کارشناسی بر نحوه خبررسانی در خصوص مواردی که با امنیت عمومی جامعه مرتبط است می‌تواند احساس امنیت افراد را افزایش و یا کاهش دهد. از نتایج دیگر تحقیق این بود که با افزایش سن احساس امنیت نمونه افزایش داشته است. این نتیجه شاید ناشی از این موضوع باشد که مزاحمت‌های احتمالی برای زنان جوان تر بیشتر است و از این حیث احساس امنیت جوان‌ترها کمتر بوده است.

به عنوان بحث پایانی می‌توان گفت که مساله احساس امنیت در بین زنان موضوع بسیار حساس است و توجه جدی تمامی بخش‌های جامعه را طلب می‌کند. خصوصاً با توجه به حضور فعال‌تر زنان جامعه در عرصه اجتماعی، اقتصادی این موضوع توجه مضاعفی را طلب می‌کند. به هر حال زنان جامعه مادران حال و آینده جامعه‌اند و چنانچه امنیت اجتماعی کم‌تری احساس نمایند این مساله را در روند تربیتی‌شان به فرزندانشان منتقل می‌کنند و مساله عمومیت بیشتری به خود می‌گیرد.

نتایج این تحقیق و ارتباط متغیرهای مختلف با احساس امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که بایستی نگاه شایع و نادرستی که صرفاً موضوع احساس امنیت در جامعه را به یک نهاد خاص و آن هم نهادهای پلیسی و انتظامی مربوط و متناسب می‌داند اصلاح نمود. تا این نوع برداشت اصلاح‌نگردد مطمئناً اقدامات صورت گرفته در این رابطه چندان مثمر ثمر نخواهد بود.

نگاه سخت‌افزاری و پلیسی صرف به این موضوع، همان نگاه سنتی است که در جامعه پیچیده و متغیر کنونی پاسخگو نیست و لزوم نگاه جامع‌تر و موثر دانستن تمامی بخش‌های و نهادهای جامعه در تأمین احساس امنیت جامعه خصوصاً جامعه زنان را طلب می‌کند تا آنگاه راهکارهای کامل‌تر و کارشناسی‌تری ارائه و اجرا گردد.

ایجاد مرکزی جهت سازماندهی به تحقیقات پراکنده در این حوزه، حمایت از محققان این حوزه و نظارت علمی و تشکیل بانک اطلاعاتی مناسب جهت شناخت روندهای این حوزه بسیار اساسی است.

منابع:

- احمدی، یعقوب و اسمعیلی، عطاء (۱۳۸۹)، سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته ای در شهر مشهد، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۲۸، صص: ۱۹۰-۱۷۰
- افشار زین العابدین (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- تازیکی، طلعت (۱۳۹۳)، عوامل موثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک های شهر، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره اول، صص: ۱۳۶-۱۱۱
- جردن، تری، ج و لستر والتتری (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، مترجمان: سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران، انتشارات سروش.
- حسامیان، فرخ و همکاران (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگاه.
- زنجانی زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰)، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۳۴، شماره ۳-۴
- ساروخانی، باقر و منیژه نوید نیا (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- سازمان ملی جوانان، «سازمان ملی جوانان در یک نگاه»، ۱۳۸۰.
- فرید من، لورنس (۱۳۷۵)، مفهوم امنیت، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، جلد ۱، موسسه پژوهش های اجتماعی.
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴)، نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی، مجموعه مقالات همایشی امنیت اجتماعی - معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، جلد سوم، تهران، انتشارات آسایش.

- کلمنتی، کوین (۱۳۸۴)، به سوی جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه: محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، معنای مدرنیست، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات کویر.
- مزلو، آبراهام، اچ (۱۳۷۵)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- میرزایی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی میزان احساس امنیت شهروندان تبریزی، جهاددانشگاهی استان آذربایجان شرقی، منتشر نشده.
- میرزایی، حسین و راستخی ابوالقاسم (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میزان دینداری و اعتماد اجتماعی با احساس امنیت شغلی، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال دوم، شماره هفتم، صص: ۱۹-۱